

مادامی که نقش سازنده حزب به رسمیت شناخته نشود، مشکلات حل نخواهد شد

سرویس سیاسی –تحریم خواهی و مشارکت‌طلبی همواره دو سناریوی اصلاح‌طلبان در هر دوره از انتخابات بوده‌است. در دوره‌های زیادی از انتخابات طیفی از اصلاح‌طلبان بر طبل تحریم انتخابات کوبیده و سواز قهر با صندوق‌ها را کوک کرده و در مقابل، گروهی دیگر مشارکت را به تحریم ترجیح داده و استفاده از فرصت‌های ممکن را راهبرد گفتمخابی خود تعریف کرده‌است.

انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری سیزدهم، اوج ستیز میان دو ایده تحریم‌خواهی و مشارکت‌طلبی بود تا جایی که حزب کارگزاران در مقابل ایده تحریم ایستاد و با حمایت از عبدالناصر همتی در نهایت از آنجای به نام «اتلاف جمهور» متشکل از ۱۵ حزب اصلاح‌طلب منشعب از «جبهه اصلاحات ایران» به وجود آورد.

در سال جاری نیز سه‌با‌به‌صدا در آمدن زنگ آغاز انتخابات، مجدداً جبهه اصلاحات در رویکرد رادیکالی به آن غالب شده است، اعلام کرد که نظر و توصیه‌ای به اعضای خود برای ثبت نام ندارد. رویکردی که البته مورد انتقاد گروه‌ها و رسانه‌های مختلف در یادداشتی نوشت: «اگر نظری ندارید، چرا جبهه و تشکیلات به راه انداخته‌اید؟». روزنامه هم‌جهان و اکش به این تصمیم عجیب جریان اصلاحات در موعد پیش‌بین‌نام انتخابات مجلس، نوشت که «چنین تصمیمی را بخت نانو و سسین‌ی‌فروش هم می‌توانستند بگیرند و در واقع نیازی به سران احزاب سیاسی بوده است.»

حال‌حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی نیز هر چند که نسبت به قانون پیش ثبت نام‌ها اعتراض داشت، اما در توصیه‌ای به اصلاح‌طلبان گفت: «اصلاح طلبان نباید توقع داشته باشند در انتخاباتی که پیروزی می‌شوند حضور داشته باشند در انتخاباتی که حضور است شکست بخورند! حضور نیابند، این سیاست درستی نیست.»

به نظر می‌رسد کارگزاران درصدد احیای نقش خود در انتخابات ۹۲ است؛ همان‌گونه که آنها توانستند رهبران جریان اصلاحات و طیف تندرو آن را مجاب کنند که عارف را کنار گذاشته و از حسن روحانی حمایت کنند، اکنون نیز بنا دارند با کشتگری جدید طیف رادیکال جبهه اصلاحات را به حاشیه برانند. همچنانکه مرعشی می‌گوید اهل مشارکت هستند و تنها راه اصلاح امور کشور با صندوق می‌دانند. پیش از این نیز مجله آگاهی نو نشریه این جریان در گزارشی از پشت‌صحنه انتخابات هیأت رئیسه جبهه اصلاحات پرده برداشته و با انتقاد از ترکیب جدید این جبهه، پیش‌بینی کرده بود که فرانسویونی در برابر هر کسی می‌آید که جبهه اصلاحات را دوگانه کارگزاران و اتحاد ملت نشناسد خواهد داد. حال باید دید کارگزاران با دبیرکل جدید خود یعنی مرعشی که توانست سال‌گذشته بعد از دو دهه ریاست‌کریاسچی بر مسند دیرکلی این حزب، جایگزین وی شود، چه نوع کشتگری در انتخابات پیش رو خواهد داشت.

در ادامه مصاحبه با حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی از نظر می‌گذرد.

با توجه به اینکه برخی اصلاح‌طلبان مخصوصاً حزب اتحاد ملت ایران که در مسند هیأت رئیسه جبهه اصلاحات ایران هم نشستند، رغبتی برای حضور در انتخابات ندارد آن سویی دیگر کارگزاران را می‌بینیم که بر مشارکت و اهمیت انتخابات تأکید دارد، فضایی انتخاباتی و مشارکتی اصلاح طلبان را چگونه می‌بینید؟

مسئله انتخابات روشن است. سیاست کلی نظام از ۱۳۹۸ نسبت به سیاست‌های قبلی تغییر کرد. تا قبل از انتخابات ۹۸ سیاست کلی نظام مبتنی بر مشارکت حداکثری بود. مردم به خاطر تان هست آیت‌الله خامنه‌ای در صحبت‌هایشان گفتند کسانی که حتی جمهوری اسلامی را قبول ندارند به خاطر ایران بیایند باید بمانند. در آن زمان استراتژی حداکثر شدن حضور مردم در انتخابات بود یک نشانه‌ای

برای مشروعبیت نظام نقلی می‌شد و مردم برای شرکت در انتخابات تشویق می‌شدند، هر چند محدودیت‌هایی برای بخشی از نیروهای سیاسی هم وجود داشت.

از سال ۹۸ به بعد بویژه ۱۴۰۰ و انتخاباتی که پیش رو داریم، راهبرد نظام نتیجه‌مطلوب‌است که شفاف‌ترین حرف را در این زمینه آقای حدادعادل زدند که گفتند مجلسی انقلابی‌تر از این مجلس لازم داریم، نه مجلسی در جهت کمزگر شدن نیروهای انقلابی، البته نیروهای انقلابی به معنی مرسوم و اصطلاح فعلی نه به معنی اصالت آن.

نکته‌ای درباره اصلاح‌طلبان این است که آنها از سال ۷۶ تسلیم اینکه نظام چه سیاستی را دنبال می‌کند یا چه انتخابی را می‌پسند نبوده‌اند و همیشه با انسجام به میدان می‌آمدند و آنچه قرار بود اتفاق بیفتد، بازی را بر هم می‌زدند؛ یا می‌بردند یا تغییر ایجاد می‌کردند. به هر حال تأثیرگذار بود. مثلاً سال ۷۶ و ۸۰ نتیجه را بردند در ۸۴ که نیزدند ولی بازی را بر هم زدند و به جای آقای قالیباف، آقای احمدی نژاد پیروز انتخابات شد. همیشه تحلیلم این بوده است؛ آقای احمدی نژاد انتخاب‌نظام نبوده، بسازنده خودش آمد و در آن بلبشوسی سیاسی که در سال ۸۴ بالا آمد. ما به‌نظم همراه با این تغییر استراتژیکی که اتفاق افتاده اصلاح طلبان در همین زمین بازی کردند و با فضای کشور انتخاباتی است. نقد دارم و واژه‌ای که این روزها مرسوم شده به اسم خالص‌سازی اصلاح‌طلبان به استقبال همین استراتژی نظام رفتند و داوطلبانه صحنه را به رقیب واگذار کردند.

این قانون و شرایط برای همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی یکسان بود و برای مزاح عرض کنن این قانون برای دیگری هم دارد، جبهه اصلاحات می‌گفت باید فکر کنیم آیا می‌خواهیم بباییم یا نه و با این قانون کسانی که مردم بودند مجبور شدند در مرحله پیش ثبت نام، ثبت نام کنند.

اصلاحات از این سیاست استقبال کرده‌است. اما من به‌عنوان حزبی که اهل مشارکت در انتخابات هستیم و معتقدیم به صندوق‌هست انتخابات مهم است و تنها راه اصلاح امور کشور از صندوق می‌گذرد، ما که چنین اعتقاد راستخی به انتخابات داریم، به وسط برنامه‌ها بودیم. اینکه برای تهران ۶ نفر شخصیت تراز اول را متقاعد کنم که برای ثبت نام بیایند و در لیست انتخاباتی‌ام بگذارم، در سه، چهار روز انجام شدنی نیست، مقدمات دارد و گاهی چند ماه‌زمان می‌برد. به صورت بردند تا آخر هم نگفتند که ثبت‌نام کردم چرا که اقتدر فضای کشور ضد انتخابات بود که رویشان نمی‌شد بگویند ثبت‌نام کردم. کسی که می‌خواهد انتخابات مشارکتی و رقابتی را رقم بزند، می‌داند اینها به ضرر انتخابات است.

به بحث خالص‌سازی اشاره کردید، مجلس ششم و اصلاح‌طلبان در اوایل دهه ۷۰ آیا به سمت خالص‌سازی رفتند؟ از این حیث این سوال را از شما می‌پرسم که شما را فارغ از شخصیت اصلاح طلبان تحلیل‌گر مسائل سیاسی می‌دانیم، آیا بسیاری از اتفاقاتی که امروز رخ می‌دهد مانند بنایش یکدست و خالص سازی بنایش اشتباهات دهه ۷۰ نبود؟ چه برخوردهایی با آقای هاشمی صورت گرفت؟

خالص‌سازی زمانی گفته می‌شود که همه قوای کشور در اختیار یک جناح و نخله فکری قرار گیرد. هیچ وقت در زمان مجلس پنجم و ششم خالص سازی نمی‌توانست چنین اتفاقی بیفتد. باید یک مساله‌ای را هم یادفت. گرایان، هم نظام، هم اصلاح طلبان بپذیریم و این است که فرار نیست در انتخابات همیشه یک جناح پیروز شود. شکست هم بخشی از انتخابات است. اصلاح طلبان نباید توقع داشته باشند در انتخاباتی که پیروز می‌شوند حضور داشته باشند و در انتخاباتی که ممکن است شکست بخوردند حضور نیابند، این سیاست درستی نیست.

انتخابات برد و باخت دارد. آن چیزی که مهم است باید ببینیم انتخابات خالص‌سازی زمانی گفته می‌شود که همه قوای کشور در اختیار یک جناح و نخله فکری قرار گیرد. هیچ وقت در زمان مجلس پنجم و ششم خالص سازی نمی‌توانست چنین اتفاقی بیفتد. باید یک مساله‌ای را هم یادفت. گرایان، هم نظام، هم اصلاح طلبان بپذیریم و این است که فرار نیست در انتخابات همیشه یک جناح پیروز شود. شکست هم بخشی از انتخابات است. اصلاح طلبان نباید توقع داشته باشند در انتخاباتی که پیروز می‌شوند حضور داشته باشند و در انتخاباتی که ممکن است شکست بخوردند حضور نیابند، این سیاست درستی نیست.



۱۰ میلیون بشکه نفت روی آب داشتیم در یک مقطعی آن را فرو ختیم و مدام می‌گفتند صادرات نفت ایران افزایش پیدا کرده، ولی الان می‌بینید که رئیس سازمان بر نامه گفت که درآمدهای نفتی ۳۰ درصد کمتر از بودجه محقق شده و ما مجبور شدیم دوباره اسکناس چاپ کنیم. این را سازمان برنامه دولت آقای رئیسی گفت من که نگفتم، شما برای ناترازی در صندوق‌های بان‌نشستگی چه کار کردید، برای ناترازی بانک‌ها چه کاری کردید؟ بر قتان را چه کار کردید؟ شما در زمستان گاز واحدهای تولیدی قطع می‌کنید که گاز به مردم برسد. گاز دارد به سرعت می‌رود به سمت بحران.

هدف این قانون این بود که بسطاط ثبت نام تفننی را جمع کنند

تفنی‌تر از اینکه ۴۸ هزار نفر ثبت نام کردند؟ ۲۴ هزار نفر در همان فاز اول ریختند؟

پیش‌ثبت‌نام برای رفع مشکل مدارک و ثبت نام‌های نامناسب بود. ۲۴ هزار نفر باقی‌مانده دیگر مشکل مدارک نداشته‌اند در حالی که در دورهای گذشته به عنوان خبرنگار در سناد انتخابات شاهد بودم که برای نام نویسی یا خانواده می‌آمدند، انگار آمده‌اند پیک نیک. همان ۲۴ هزار نفر ثبت نامی نهایی اسمال از ۱۶ هزار آنت ثبت نامی انتخابات سال ۹۸ حدود ۵۰ درصد بیشتر بود.

اساساً شخصیت‌های مؤثر از راست، چپ و میانه زمانی تصمیم می‌گیرند وارد انتخاب شوند که فضای انتخاباتی در کشور شکل گرفته باشد. وزیر محترم کشور، سناتور، دولت و مجلس یا حداقل تجربه را نداشته‌اند یا عجله داشتند که شخصیت‌های حساسی مؤثری ثبت نام نکنند. هیچ شخصیت مهمی در انتخابات حضور داشتند و معلوم نشود تمایل مردم به حضور در انتخابات چقدر است و سیاست‌های نظام چگونه است، وارد ثبت نام نمی‌شوند. می‌دانید عده‌ای از دوستان ثبت‌نام کرده بودند تا آخر هم نگفتند که ثبت‌نام کردم چرا که اقتدر فضای کشور ضد انتخابات بود که رویشان نمی‌شد بگویند ثبت‌نام کردم. کسی که می‌خواهد انتخابات مشارکتی و رقابتی را رقم بزند، می‌داند اینها به ضرر انتخابات است.

به بحث خالص‌سازی اشاره کردید، مجلس ششم و اصلاح‌طلبان در اوایل دهه ۷۰ آیا به سمت خالص‌سازی رفتند؟ از این حیث این سوال را از شما می‌پرسم که شما را فارغ از شخصیت اصلاح طلبان تحلیل‌گر مسائل سیاسی می‌دانیم، آیا بسیاری از اتفاقاتی که امروز رخ می‌دهد مانند بنایش یکدست و خالص سازی بنایش اشتباهات دهه ۷۰ نبود؟ چه برخوردهایی با آقای هاشمی صورت گرفت؟

خالص‌سازی زمانی گفته می‌شود که همه قوای کشور در اختیار یک جناح و نخله فکری قرار گیرد. هیچ وقت در زمان مجلس پنجم و ششم خالص سازی نمی‌توانست چنین اتفاقی بیفتد. باید یک مساله‌ای را هم یادفت. گرایان، هم نظام، هم اصلاح طلبان بپذیریم و این است که فرار نیست در انتخابات همیشه یک جناح پیروز شود. شکست هم بخشی از انتخابات است. اصلاح طلبان نباید توقع داشته باشند در انتخاباتی که پیروز می‌شوند حضور داشته باشند و در انتخاباتی که ممکن است شکست بخوردند حضور نیابند، این سیاست درستی نیست.

انتخابات برد و باخت دارد. آن چیزی که مهم است باید ببینیم انتخابات خالص‌سازی زمانی گفته می‌شود که همه قوای کشور در اختیار یک جناح و نخله فکری قرار گیرد. هیچ وقت در زمان مجلس پنجم و ششم خالص سازی نمی‌توانست چنین اتفاقی بیفتد. باید یک مساله‌ای را هم یادفت. گرایان، هم نظام، هم اصلاح طلبان بپذیریم و این است که فرار نیست در انتخابات همیشه یک جناح پیروز شود. شکست هم بخشی از انتخابات است. اصلاح طلبان نباید توقع داشته باشند در انتخاباتی که پیروز می‌شوند حضور داشته باشند و در انتخاباتی که ممکن است شکست بخوردند حضور نیابند، این سیاست درستی نیست.

مشکلی از مشکلات کشور را حل می‌کند یا خیر. تا الان تجربه این بود که ما در دو مساله همیشه از انتخابات بهره‌های فراوان برده‌ایم؛ یکی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای که انتخابات پرشور و با مشارکت بالای مردم، خیلی از عظرات را از ایران دور کرده و نقش بازدارنده داشته است.

این را آقای ظریف در کنگره حزب کارگزاران در صحبت‌هایشان گفتند. وقتی بعد از ماجرای افغانستان آمریکایی‌ها آماده می‌شدند صدام را بزنند، نخست وزیر اسرائیل رفت آمریکا و این جمله مشهور را گفت که «بغداد آدرس اشتباه است و تهران آدرس درست است.» خیلی‌ها جمع شدند و این را به آمریکایی‌ها گفتند که شما به جای اینکه به بغداد بروید باید به تهران بروید. اما آمریکایی‌ها گفتند ما یک پیروزی قطعی نیاز داریم. در ایرانی که ۷۲ درصد در انتخابات شرکت کردند ما باهمراه نمی‌شوند. باید به‌سرع عراقی که در مرش از صدام عصبانی و متفر هستند، برویم.

انتخابات نقش بازدارندگی بازی می‌کند. در سال‌های پایانی دولت آقای هاشمی، کشورهای اروپایی دست‌جمعی سفرایشان را از ایران فراخواندند، این موضوع ضبط و ثبت است. اما خرداد ۷۶ اتفاق افتاد و آقای خاتمی انتخاب شد ظرف ۶ ماه سفرای کشورهای اروپایی به ایران بازگشتند و روابط ایران و اروپا بازسازی شد. این نقش‌نشد حضور مردم در انتخابات بود. نقش اینکه آقای خاتمی برنده شده بود. مهم این بود انتخاباتی که با درجه آزادی مناسب، پرشور و با مشارکت ۷۰ درصدی مردم اتفاق افتاده بود

که می‌توانست یکسری مشکلات بین‌المللی ما را حل کند، امروز هم همین طور است. نقش مردم انتخابات در داخل است. مگر مشکل اصلی مملکت اقتصادی نیست؟ بعد از چند برنامه مجدداً رشد ۸ درصدی را تکرار کردند و دوباره گفتند رشد اقتصادی ۸ درصدی. کشوری که متوسط رشد بیست ساله اش ۱۵ درصد است، گفته‌اند باید به رشد ۸ درصد برسند. در اقتصاد، شما اگر می‌خواهید به‌رشد برسید حتماً ۳٫۵ درصد آن از راه افزایش بهره‌وری است و ۴ درصد آن از راه سرمایه‌گذاری است. بهره‌وری زمانی اتفاق می‌افتد که جامعه احساس امید داشته باشد، چرا که بهتر و ارزان‌تر، بیشتر تولید کنند. بهره‌وری زمانی که باس و ناامید بر جامعه حاکم باشد، اتفاق نمی‌افتد. در دولت آقای خاتمی اگر ثبت‌اتصادی و رشد اقتصادی متوسط ۵ درصد بوده یا برای ابتکارات آقای خاتمی و وزیرایش بوده است؟ خیر مردم در صحنه بوده‌اند، نشاط عمومی با بود، بنابراین بهره‌وری افزایش پیدا کرد و رشد اتفاق افتاده است. البته این را هم اضافه کنم هیچ نتیجه انتخاباتی نمی‌تواند تهدید یابد

نظام به وجود بیورد. اگر برندگان یک انتخابات در موضع همکاری با کالکت نظام نباشند و در جهت تحکیم مبانی نظام حرکت نکنند، بله دعوا می‌شود اما این دعوا هم الزاماً به نفع سیاسیون اتفاق نمی‌افتد. این را توجه دارم. اما نکته‌ای که شما به آن اشاره کردید، من هم قبول دارم. اگر ایرادی وجود داشته، این است که در همه دوره‌ها برندگان انتخابات متوجه یکسری از ضرورت‌ها نبودند که این موضوع هم در انتخابات ریاست جمهوری و هم انتخابات مجلس، اتفاق افتاد. مقداری برندگان انتخابات این غرور ناشی از پیروزی گیج‌شان کرد و متوجه نشدند چه کار باید کنند.

با توجه به اینکه اشاره کردید، مهم نتیجه انتخابات است بخردید برنده و بازنده وجود ندارد، مهم نتیجه انتخابات است و به‌صحنه‌های آقای حداد اشاره کردید، مهم آقاس حداد و باهنر و چند شخصیت اصولگرای دیگر بارها تأکید کرده‌اند که هدفشان در انتخابات پیروزی نیست، بلکه افزایش مشارکت است.



۱۰ میلیون بشکه نفت روی آب داشتیم در یک مقطعی آن را فرو ختیم و مدام می‌گفتند صادرات نفت ایران افزایش پیدا کرده، ولی الان می‌بینید که رئیس سازمان بر نامه گفت که درآمدهای نفتی ۳۰ درصد کمتر از بودجه محقق شده و ما مجبور شدیم دوباره اسکناس چاپ کنیم. این را سازمان برنامه دولت آقای رئیسی گفت من که نگفتم، شما برای ناترازی در صندوق‌های بان‌نشستگی چه کار کردید، برای ناترازی بانک‌ها چه کاری کردید؟ بر قتان را چه کار کردید؟ شما در زمستان گاز واحدهای تولیدی قطع می‌کنید که گاز به مردم برسد. گاز دارد به سرعت می‌رود به سمت بحران.

مشکلی از مشکلات کشور را حل می‌کند یا خیر. تا الان تجربه این بود که ما در دو مساله همیشه از انتخابات بهره‌های فراوان برده‌ایم؛ یکی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای که انتخابات پرشور و با مشارکت بالای مردم، خیلی از عظرات را از ایران دور کرده و نقش بازدارنده داشته است.

این را آقای ظریف در کنگره حزب کارگزاران در صحبت‌هایشان گفتند. وقتی بعد از ماجرای افغانستان آمریکایی‌ها آماده می‌شدند صدام را بزنند، نخست وزیر اسرائیل رفت آمریکا و این جمله مشهور را گفت که «بغداد آدرس اشتباه است و تهران آدرس درست است.» خیلی‌ها جمع شدند و این را به آمریکایی‌ها گفتند که شما به جای اینکه به بغداد بروید باید به تهران بروید. اما آمریکایی‌ها گفتند ما یک پیروزی قطعی نیاز داریم. در ایرانی که ۷۲ درصد در انتخابات شرکت کردند ما باهمراه نمی‌شوند. باید به‌سرع عراقی که در مرش از صدام عصبانی و متفر هستند، برویم.

انتخابات نقش بازدارندگی بازی می‌کند. در سال‌های پایانی دولت آقای هاشمی، کشورهای اروپایی دست‌جمعی سفرایشان را از ایران فراخواندند، این موضوع ضبط و ثبت است. اما خرداد ۷۶ اتفاق افتاد و آقای خاتمی انتخاب شد ظرف ۶ ماه سفرای کشورهای اروپایی به ایران بازگشتند و روابط ایران و اروپا بازسازی شد. این نقش‌نشد حضور مردم در انتخابات بود. نقش اینکه آقای خاتمی برنده شده بود. مهم این بود انتخاباتی که با درجه آزادی مناسب، پرشور و با مشارکت ۷۰ درصدی مردم اتفاق افتاده بود

که می‌توانست یکسری مشکلات بین‌المللی ما را حل کند، امروز هم همین طور است. نقش مردم انتخابات در داخل است. مگر مشکل اصلی مملکت اقتصادی نیست؟ بعد از چند برنامه مجدداً رشد ۸ درصدی را تکرار کردند و دوباره گفتند رشد اقتصادی ۸ درصدی. کشوری که متوسط رشد بیست ساله اش ۱۵ درصد است، گفته‌اند باید به رشد ۸ درصد برسند. در اقتصاد، شما اگر می‌خواهید به‌رشد برسید حتماً ۳٫۵ درصد آن از راه افزایش بهره‌وری است و ۴ درصد آن از راه سرمایه‌گذاری است. بهره‌وری زمانی اتفاق می‌افتد که جامعه احساس امید داشته باشد، چرا که بهتر و ارزان‌تر، بیشتر تولید کنند. بهره‌وری زمانی که باس و ناامید بر جامعه حاکم باشد، اتفاق نمی‌افتد. در دولت آقای خاتمی اگر ثبت‌اتصادی و رشد اقتصادی متوسط ۵ درصد بوده یا برای ابتکارات آقای خاتمی و وزیرایش بوده است؟ خیر مردم در صحنه بوده‌اند، نشاط عمومی با بود، بنابراین بهره‌وری افزایش پیدا کرد و رشد اتفاق افتاده است. البته این را هم اضافه کنم هیچ نتیجه انتخاباتی نمی‌تواند تهدید یابد

نظام به وجود بیورد. اگر برندگان یک انتخابات در موضع همکاری با کالکت نظام نباشند و در جهت تحکیم مبانی نظام حرکت نکنند، بله دعوا می‌شود اما این دعوا هم الزاماً به نفع سیاسیون اتفاق نمی‌افتد. این را توجه دارم. اما نکته‌ای که شما به آن اشاره کردید، من هم قبول دارم. اگر ایرادی وجود داشته، این است که در همه دوره‌ها برندگان انتخابات متوجه یکسری از ضرورت‌ها نبودند که این موضوع هم در انتخابات ریاست جمهوری و هم انتخابات مجلس، اتفاق افتاد. مقداری برندگان انتخابات این غرور ناشی از پیروزی گیج‌شان کرد و متوجه نشدند چه کار باید کنند.

شما ابتدای مصاحبه فرمودید اهل مشارکت هستید. ما باز هم در انتخابات مشارکت می‌کنیم، اما فهمیدیم نباید پامان را از گلیم خودمان درازتر کنیم. ممکن است شماان چیزهایی که تأیید صلاحیت شوند

سیاسی

مرعشی دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی؛

انتخاب کنید و لیست دهید، چرا که کارگزارانی‌ها که بیشتر تکنوکرات هستند و تخصص برایشان مهم است، نه اینکه چهره سیاسی باشند، خصوصاً در شهرستان‌ها این فرصت وجود حمایت‌کنند.

۵۰روز دیگر شورای نگهبان صلاحیت‌ها را مشخص می‌کند. فعلاصحنه را رصد می‌کنیم و ناظر بر صحنه‌ایم. بعد از ۵۰روز که تعیین تکلیف شدند مدت‌مان توضح می‌دهم. مطلبی که می‌خواستم بگویم این است که درباره وضع موجود صحبت کنیم و مشخص کنیم که وضع خوب است یا نه. بعضی از دوستان می‌گویند وضع خیلی خوب است. مثلاً آقای رئیسی کاملاً راضی هستند. آقای قالیباف نسبتاً راضی هستند، گروه‌های سیاسی هم بسته به اینکه چقدر در حکومت سهم دارند، راضی یا ناراضی‌اند. اما من نمی‌خواهم از این زاویه به قضیه نگاه کنم، من می‌گویم وضع خوب نیست برای آن‌هم شاخص دارم.

موضوع خوبی مطرح کردید. این مشکلات که در این دو سال اخیر به وجود نیامده است. این مشکلات ریز و درشتی که مطرح کردید ناشی از عملکرد دولت‌ها از گذشته تا امروز است. بویژه چند سال اخیر که بدترین آمارهای اقتصادی در کشور مربوط به دهه ۹۰ و دوران آقای روحانی است.

اشکال ندارد. من دلایل آن را نمی‌گویم. به دلایل آن هم می‌رسم. ببینید وضع ما اصلاح‌خوب نیست. سرمان را زیربر برف کنیم و بگویم وضعیت خوب است، اگر به سراغ محیط زیست برویم. در واقع این‌ها مشکلاتی که زیاد است که دشت‌های ایران دارد نشست می‌کند. این نشست تبدیل به معضل شده است. الان وضع تراکیب در شهرها و در جاده‌های اصلی کشور به گونه‌ای است که پلیس راهنمایی، هفته قبل گزارش داد در سه‌سال آینده تمام خیابان‌های شهرهای اصلی ایران و تمام جاده‌های اصلی ایران از لحاظ ترافیکی قفل می‌شود، چراکه ما به تعدادی که داریم اتمبیل تولید می‌کنیم، آن‌انداز معیارها را جاده‌هایمان را توسعه نداده‌ایم. جمله را آقای حداد گفته‌باشند، می‌گویم اسم این حداد را جزو لیست جبهه اصلاحات بگذارند. در نهایت این شده که آقای پزشکیان بعد از ۴ سال وزیر بهداشت در درمان این مملکت بوده و اصلاح طلب کاملاً بنیادگر است و هم ارزشی‌ها می‌تلفی می‌شود. دو دوره هم نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی بوده، رد صلاحیت شده است. علی مطهری اصل گور فرزند شهید مطهری که در مسائل فرهنگی و حجاب مثل شجاعدی و مصمم است و باصلاحیت طلبان زاویه دارد، او هم رد صلاحیت شده‌است. در مقام حرف خیلی می‌توان صحبت کرد. کج سلیبگی ممکن است به وجود بیاید. اما معمولاً بررسی‌های هیأت اجرایی بر اساس مواضع سیاسی نیست. بلکه صلاحیت‌ها از نظر شکلی می‌استود. چهار گانه انجام می‌شود و سنخگوی شورای نگهبان نیز تأکید کرده است که مجدداً صلاحیت این افراد در هیأت‌نظارت بررسی خواهد شد. از سوی دیگر این ردصلاحیت‌ها وقتی معطوف به طیف اصلاحات نبوده و حتی تا نمایندگان فعلی مجلس نیز رد صلاحیت شدند.

کج سلیبگی نیست، سیاست خیلی راسخی است که دولت و مجلس در حال اعمال آن هستند. باقاع و وقع کسی موافق نیستیم. اینکه فرمودید برای انتخابات برنامه داشتید آیا در نهایت توصیه‌ای برای ثبت نام به افراد مختلف و مد نظر داشتند که وارد انتخابات شوند؟ خیر، اشکال ما این است که بیش از پیش متوجه می‌شویم و فهمیدیم نباید

شما ابتدای مصاحبه فرمودید اهل مشارکت هستید. ما باز هم در انتخابات مشارکت می‌کنیم، اما فهمیدیم نباید پامان را از گلیم خودمان درازتر کنیم. ممکن است شماان چیزهایی که تأیید صلاحیت شوند

جبهه پایداری هستند که الان مشهور شده‌اند به نیروهای انقلابی؛ اینها هم یک نخله فکری هستند. یک نخله هم نواصولگرایان هستند، یک نخله فکری هم آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان پیرامون آقای خاتمی هستند، یک نخله فکری هم می‌تواند ادامه فکر آقای هاشمی رفسنجانی باشد مانند کارگزاران و اعتدال توسعه.

با وجود این ۵ نخله سیاسی در کشور باید ۵ تا حزب نیرومند داشته باشیم. در مورد احزاب، مهمترین اشتباهی که صورت گرفته این است که ما نقش احزاب را خلاصه کردیم در کمپین‌های انتخاباتی. این فرعی‌ترین نقش حزب است که می‌آید یک لیست انتخاباتی می‌دهد و برای کسب کرسی‌های قدرت، مبارزه می‌کند. اصل حزب برای تولید فکر است، تولید راهکار است، تولید استراتژی است، تولید برنامه است.

بطور مثال چین تک حزبی است. اما چرا حزب کمونیست چین مهم است، چون حزب کمونیست چین برنامه درازمدت برای این کشور تدوین می‌کند و می‌تواند برای ۲۷ سال بدوام رشد اقتصادی ۸ درصد را برای چین رقم بزند.

پس علاوه بسر کمپین انتخاباتی، نقش‌ش حزب در مطالعه و تدوین استراتژی‌ها و برنامه‌ها مهم است. یک نقش دیگر مهم حزب تجمیم تجربیات است. این کاری که اخیراً ما در کنگره کارگزاران سازندگی کردیم و گفتیم یک شورای عالی مشورتی درست می‌کنیم که رابطه همه بزرگان قدیمی را با حزب برقرار کنیم. این راهکار متوجه این مساله است که می‌گوید حزب باید بنشینند و تجربیات را جمع بکنند. نیروهای جوان را آماده و تربیت کند تا وزیر بشوند. اما وزیری که تا آدم پشت سر آن قرار بدیمه که آن وزیر را راهنمایی و کمک کند.

بسا حرف می‌کنی. اتفاقاً ما بعد از همین اغتشاشات مناظره‌ای برگزار کردیم از اصلاح طلبان آقای شهاب طباطبایی و از اصولگرایان آقای پیرهادی را آوردیم. یکی از اطمینان این بود در میانه اغتشاشات احزاب کجا بودند. احزاب اصولگر که کاملاً منفعل و در سکوت بودند، احزاب اصلاح طلب هم فقط غر می‌زدند. یعنی یک بیانه‌هایی می‌دادند که ادبیاتی تندتر از اپوزیسیون داشتند به جای اینکه پیش روی اصلاح‌ها رهاکار بنگارند. اتفاقاً در همانی که شما بر گزار کردید و جزو سوال‌اتمان بود، گفتید برخی افرادید که در چار چوب نظام است نه اینکه بیایند یک چیزی بگویند که رسانه‌های بیگانه خوششان بیاید.

ببینید اولاً ما حزب کارگزاران سازندگی دقیقا در همین جعتی که شما می‌گویند عمل کردیم. تمام مواجده و صحبت‌های من در این دوران موجود است. اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ افتاد ما سه ملاقات با آقای شمشانی، یک ملاقات با آقای رئیس جمهور و یک ملاقات هم با رئیس قوه قضائیه داشتیم و آنجا تمام نظر اتمان را بیان کردیم. خیره جبهه اصلاحات، من و آقای نبوی و جمعی از دوستان رفتم، همه مطالب به هم‌راه راهکارها را به ارائه کردیم. بخشی هم عمل شد و بخشی هم عمل نشد. ببینید اساسا مادامی که در جمهوری اسلامی نقش بسیار سازنده و تعیین کننده حزب به رسمیت شناخته نشود، مشکلات حل نخواهد شد. اینجا می‌شود به رد صلاحیت‌های بسیار ناموجه هم اشاره کرد. آقای علی لاریجانی از سپاه شروع می‌کند، در صدا و سیما اقتدر علیه ما به نفع نظام جانفشانی می‌کند، بعد می‌آید دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور می‌شود، نماینده رهبری در شورای عالی امنیت کشور می‌شود. ۱۲ سال مجلس شورای اسلامی را دارم می‌کند و زمانی که می‌آید کاندیدای ریاست جمهوری بشود، مهر باطل شد می‌زند. این اشتباهات فاحش اصولگرایان سنتی را هم اضافه است؛ در باطل کردن افراد است. آقای ناطق نوری کاندیدای نظام در انتخابات ۷۶ بود. الان من می‌روم خدمت آقای ناطق و

از او خواش می‌کنم باید وارد سیاست بشود و صحنه سیاست را ترک نکند و نمی‌آید. چرا نمی‌آید؟ من می‌گویم اینها به خاطر رفتارهای اشتباهی است که اتفاق افتاده و همه را حذف کردیم. امروز من قاطعانه به شما می‌گویم، رهبری نقش تعیین کننده بالاناع و بی‌پدیل دارند برای اداره کشور. امروز باید همه بزرگان نظام در دسترس رهبری باشند، ولی من می‌گویم امروز رهبری از هر زمان دیگری تنهاتر است. **امروز به وضعیتی که شما اینگونه تشریح می‌کنید برسید عملکرد همین افراد است. این اتفاق‌ها که در دو سهال آقای رئیسی نفاذده است.**

آقای رئیسی الان دو سال زمان از دست داده. شما می‌گوئید که مشکل کشور سفر استانی است. مشکل کشور این است که شما نمی‌توانید نفعتان را توسعه بدیم، مشکل کشور این است که الان تراز گازتان منفی است، مشکل کشور این است که تراز برق‌تان منفی است، مشکل کشور این است که تراز بانک‌هایتان منفی است. مشکل کشور این است که تراز صندوق‌های بازنشستگی‌تان منفی است. این مشکلات که یکی، دو، تا سه تا، و چهار تا نیست. باید از یک جایی شروع کرد به حل کرد. خوب من هم تحسین می‌کنم که آقای رئیسی سفر زیاد می‌رود و انسان‌ها را سرکشی می‌کند. بسیار عالی. ولی مگر در کردستان، کرمان، سیستان و بلوچستان و یاد بربندت قرار است که مشکلات کشور حل و فصل بشود. مشکلات کشور در کلاش این است که شما یک ناترازی بوجه دارید، که هنوز برقرار است.

پله، ۱۰۰ میلیون بشکه نفت روی آب داشتیم در یک مقطعی آن را فرو ختیم و مدام می‌گفتند صادرات نفت ایران افزایش پیدا کرده، ولی الان می‌بینید که رئیس سازمان برنامه گفت که درآمدهای نفتی ۳۰ درصد کمتر از بودجه محقق شده و ما مجبور شدیم دوباره اسکناس چاپ کنیم. این را سازمان و برنامه دولت آقای رئیسی گفت من که نگفتم، شما برای ناترازی در صندوق‌های بان‌نشستگی چه کار کردید، برای ناترازی بانک‌ها چه کاری کردید؟ بر قتان را چه کار کردید؟ شما در زمستان گاز واحدهای تولیدی قطع می‌کنید که گاز به مردم برسد. گاز دارد به سرعت می‌رود به سمت بحران.

خوب کدام نیرو گاه جدید احداث شده است؟ ببینید بله، قرار نیست که آقای رئیسی یک شبه یا ظرف یک سال تمام وضعیت‌های من در این دوران موجود است. اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ افتاد ما سه ملاقات با آقای شمشانی، یک ملاقات با آقای رئیس جمهور و یک ملاقات هم با رئیس قوه قضائیه داشتیم و آنجا تمام نظر اتمان را بیان کردیم. خیره جبهه اصلاحات، من و آقای نبوی و جمعی از دوستان رفتم، همه مطالب به هم‌راه راهکارها را به ارائه کردیم. بخشی هم عمل شد و بخشی هم عمل نشد. ببینید اساسا مادامی که در جمهوری اسلامی نقش بسیار سازنده و تعیین کننده حزب به رسمیت شناخته نشود، مشکلات حل نخواهد شد. اینجا می‌شود به رد صلاحیت‌های بسیار ناموجه هم اشاره کرد. آقای علی لاریجانی از سپاه شروع می‌کند، در صدا و سیما اقتدر علیه ما به نفع نظام جانفشانی می‌کند، بعد می‌آید دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور می‌شود، نماینده رهبری در شورای عالی امنیت کشور می‌شود. ۱۲ سال مجلس شورای اسلامی را دارم می‌کند و زمانی که می‌آید کاندیدای ریاست جمهوری بشود، مهر باطل شد می‌زند. این اشتباهات فاحش اصولگرایان سنتی را هم اضافه است؛ در باطل کردن افراد است. آقای ناطق نوری کاندیدای نظام در انتخابات ۷۶ بود. الان من می‌روم خدمت آقای ناطق و

از او خواش می‌کنم باید وارد سیاست بشود و صحنه سیاست را ترک نکند و نمی‌آید. چرا نمی‌آید؟ من می‌گویم اینها به خاطر رفتارهای اشتباهی است که اتفاق افتاده و همه را حذف کردیم. امروز من قاطعانه به شما می‌گویم، رهبری نقش تعیین کننده بالاناع و بی‌پدیل دارند برای اداره کشور. امروز باید همه بزرگان نظام در دسترس رهبری باشند، ولی من می‌گویم امروز رهبری از هر زمان دیگری تنهاتر است. **امروز به وضعیتی که شما اینگونه تشریح می‌کنید برسید عملکرد همین افراد اند. این اتفاق‌ها که در دو سهال آقای رئیسی نفاذده است.**

آقای رئیسی الان دو سال زمان از دست داده. شما می‌گوئید که مشکل کشور سفر استانی است. مشکل کشور این است که شما نمی‌توانید نفعتان را توسعه بدیم، مشکل کشور این است که الان تراز گازتان منفی است، مشکل کشور این است که تراز برق‌تان منفی است، مشکل کشور این است که تراز بانک‌هایتان منفی است. مشکل کشور این است که تراز صندوق‌های بازنشستگی‌تان منفی است. این مشکلات که یکی، دو، تا سه تا، و چهار تا نیست. باید از یک جایی شروع کرد به حل کرد. خوب من هم تحسین می‌کنم که آقای رئیسی سفر زیاد می‌رود و انسان‌ها را سرکشی می‌کند. بسیار عالی. ولی مگر در کردستان، کرمان، سیستان و بلوچستان و یاد بربندت قرار است که مشکلات کشور حل و فصل بشود. مشکلات کشور در کلاش این است که شما یک ناترازی بوجه دارید، که هنوز برقرار است.



نصب و راه اندازی شبکه پشتیبانی شبکه مشاوره رایگان

۰۷۶۴۴۸۰۵ - ۰۷۶ و ۰۹۲۶۷۵۰۷۱۹۱۰

نصب وراه اندازی دوربینهای مداربسته پشتیبانی دوربینهای مداربسته

رفع اشکال



تیام رایان کیش

اینترنت پرسرعت ...



Tiyamnet

Tiyam.ir